



نقش معاد در ایجاد امید و تحکیم امید آدمی*

اعظم پرچم

عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه اصفهان

زهرا محقیان

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس ارشد الهیات

چکیده:

بشر به طور طبیعی در طول زندگی در این جهان با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری رو به رو بوده و همواره جهت پیروزی بر آنها و از میان بردن عوامل پیدایش آنها کوشیده است. از سویی دیگر، امید به آینده و دستیابی به آرامش، ارتباط عمیقی با نوع جهان بینی هر فرد دارد، چنان که اگر فردی فلسفه و هدف زندگی خویش را بر مبنای پوچ‌گرایی قرار دهد، گریزی از ناامیدی نخواهد داشت، چرا که حیات او محدود به وقایع و حوادث فعلی زندگی اوست. به همین دلیل پرداختن به باورها و بینش‌های هر فرد نسبت به جهان و دنیای پیرامون خویش، از این منظر می‌تواند گره گشای بسیاری از مشکلات بشر متمدن امروزی باشد.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که تأثیر محوری وحدت معبود و نیز نگرش مثبت نسبت به مرگ در ایجاد و تحکیم امید انسان چیست؟ به دیگر بیان، فرهنگ معادپروری تا چه اندازه در ایجاد و پرورش روح امید مؤثر است؟ و در پایان بدین نکته راه یافته که چون طبق آموزه‌های قرآن کریم، امید واقعی در ارتباط با «الله» است، از این رو توجه به معاد و زندگی پس از آن سبب آگاهی و ایجاد روح امید در آدمی و تلاش در جهت ایجاد زمینه‌های مناسب جهت رشد و ترقی می‌گردد و سدی مستحکم در برابر بحران هویت جوان و نوجوان امروزی خواهد بود.

کلید واژه‌ها:

امید/ معاد/ رستاخیز/ قرآن/ مرگ

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱/۱۷.

پیش‌گفتار

در عصر اطلاعات و هزاره سوم، به رغم رشد تکنولوژی و پیشرفت‌های سریع فناوری، یکی از مشخصه‌های بارز و عینی در رفتار عموم مردم جامعه مخصوصاً جوانان، ضعف امید و امیدواری به زندگی و آینده است. بشر متمدن امروزی گرچه به ظاهر مرفه می‌نماید، اما بیش از گذشته افسرده، ناامید و تنهاست. از دیگر سو، چون آدمی به حقیقت وجود خویش و اسرار درونش شناخت کامل ندارد و تمامی عوامل دردها و رنج‌های مهلک روانی و راه‌های پیشگیری از آنها را نمی‌داند، از این رو ناگزیر است برای شناخت حقایق مربوط به وجود خود و نیز آفات و امراض نفسانی و روش درمان و یا پیشگیری از آنها، از تمسک به دین بهره گیرد و خط سیری را تعقیب نماید که بینش الهی آن را مشخص ساخته است؛ زیرا تنها اوست که می‌تواند داروها و روش‌های درمان و پیشگیری‌های مربوط به آفات و بیماری‌ها را (که از وجود روح ناامیدی در آدمی سرچشمه می‌گیرند) ارائه نماید.

اما احساس امنیت و آرامش و داشتن امید به آینده در دین اسلام، به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی (بقره/۱۳۷)، در سطحی گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفته و بخش وسیعی از آموزه‌های این دین به آن اختصاص یافته و افزون بر ارائه تعریفی جامع از آن، به راهکارهای روانی و رفتاری فراوانی برای دستیابی به این نیاز اصیل بشری پرداخته است که اعتقاد به معاد و فرجام آدمی یکی از بهترین این راهکارهاست و اگر آدمی از این نظر نسبت به آینده امیدوار نباشد و زندگی را تنها در این دنیای مادی محصور بداند، به طور طبیعی رفتاری بیرون از عرف طبیعت انسانی از خود بروز می‌دهد که حتی در جهت دادن جامعه به سمت ناامیدی و افسردگی نیز بی‌تأثیر نخواهد بود. از این رو اعتقاد به معاد و زندگانی پس از مرگ، ضمن ایجاد آرامش در درون آدمی، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در جهت دادن به رفتار انسان در کلیه زمینه‌های زندگی ایفا می‌کند.

به همین دلیل در این پژوهش سعی شده نتایج و آثار ایمان به معاد در ایجاد و تحکیم روح امید در آدمی با استفاده از آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر مورد بررسی قرار گیرد، چرا که در بینش قرآن کریم نیز امید به لقای الهی در روز



رستاخیز، علاوه بر اینکه زمینه پیدایش عمل صالح و بستر مناسبی برای داشتن فرهنگ معادباوری در زندگی است (کهف/۱۱۰)، ریشهٔ یأس و ناامیدی را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند (عنکبوت/۲۳) و آسودگی خاطر و راحتی در برخورد با مشکلات دنیوی را برای مؤمنان به ارمغان خواهد آورد (بقره/۲۲۳). از این رو خداوند، مؤمنان را با صفت امیدواری به رحمت الهی می‌ستاید (بقره/۲۱۸) و ناامیدی از رحمتش را به کافران نسبت می‌دهد (یوسف/۸۷).

اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تحکیم امید

تمامی عقاید دینی در رفتار انسان مؤثر است، هر چند تأثیر آنها یکسان نیست. از میان عقاید دینی، اعتقاد به رستاخیز و معاد، یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی و افزایش روحیهٔ امیدواری در اوست. چنین عقیده‌ای نقش شایانی در پرورش روح انسان دارد و آثار تربیتی شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی او به ارمغان می‌آورد، چرا که انسان فطرتاً جوّیای سعادت خویش است؛ از تصوّر وصول به سعادت غرق در مسرّت می‌گردد و از فکر یک آینده شوم و مقرون به محرومیت، لرزه بر اندامش می‌افتد و سخت دچار دلهره و اضطراب می‌گردد. بنابراین توجه به مرگ و زندگانی پس از آن، سبب آگاهی و ایجاد روح امید در آدمی و تلاش در جهت ایجاد زمینه‌های مناسب جهت رشد و ترقی می‌گردد. به‌طور کلی آنچه مایه سعادت انسان می‌گردد، دو چیز است: یکی تلاش و دیگری اطمینان به شرایط محیط. تکلیف انسان با خودش روشن است. از این ناحیه اضطرابی دست نمی‌دهد؛ زیرا اضطراب از شک و تردید پدید می‌آید. انسان درباره آنچه مربوط به تلاش خویش است، شک و تردید ندارد. آنچه که انسان را به اضطراب و نگرانی و نیز ناامیدی می‌کشانند و آدمی تکلیف خویش را درباره آن روشن نمی‌بیند، جهان است؛ آیا کار خوب فایده دارد؟ آیا صداقت و امانت بیهوده است؟ آیا پایان کار همهٔ تلاش‌ها و انجام وظیفه‌ها محرومیت است؟ اینجاست که دلهره و اضطراب در مهیب‌ترین شکل‌ها رخ می‌نماید.

خداوند در آیه ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

(زمر/۴۲) از مرگ با عنوان «توفی»، یعنی گرفتن کامل جان انسان توسط فرشتگان یاد می‌کند. بدین معنا که مرگ نابودی نیست، بلکه دروازه ورود انسان از یک جهان به جهان دیگر است. بر اساس این بینش، یاد مرگ برای مؤمنان به عنوان مقصد زندگی دنیوی و آغاز زندگانی اخروی، آسودگی خاطر و راحتی در برخورد با مشکلات دنیوی را در پی دارد، چرا که انسان‌های شایسته با مرگ به ملاقات خداوند می‌رسند؛ ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/۲۲۳). از این رو یکی از محوری‌ترین راهکارهای مقابله با فشارهای روانی و دستیابی به آرامش و افزایش روحیه امید و امیدواری به آینده، ایجاد نگرش مثبت نسبت به مرگ و اعتقاد به معاد است.

ایمان به معاد، ریشه یأس‌ها و ناامیدی‌ها را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و مصائب و ناکامی‌هایش در این دنیا، هیچ کدام بی‌پاسخ نخواهند ماند. شخص معتقد به معاد عقیده دارد که زندگی به این جهان ماده خلاصه نمی‌گردد، بلکه انسان پس از مرگ، زندگی دیگری در پیش دارد و در آنجا به بسیاری از خواسته‌ها و آرزوهای مناسب خود نایل می‌شود. از نظر قرآن نیز حیات باقیه و زندگانی جاوید و سعادت ابدی در آخرت است؛ ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر/۳۹). در آنجا آسایش، آرامش و امنیت مطلق وجود دارد؛ ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (انعام/۱۲۷) و افراد احساس کمبود و محرومیت و ناامیدی نمی‌کنند، چرا که در آن بهشت، آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، موجود است؛ ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَكْذُّ الْأَعْيُنُ﴾ (زخرف/۷۱). در آنجا هیچ گونه کمبودی احساس نمی‌گردد و احساس محرومیتی هم اگر انسان در این دنیا احساس می‌کند، با یادآوری نعمت‌های عالم آخرت برطرف می‌گردد، چرا که شخص مؤمن، امیدوار است که در آن جهان از نعمت‌های الهی برخوردار گردد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین اثرات یاد معاد در دنیا، آرامش و آسایش خاطر و به عبارت کوتاه‌تر، رسیدن به آرامش دنیوی است، چرا که در زندگانی دنیا هم آرزوهای



بلند و هم یأس‌های عمیق در کمین انسان نشسته‌اند که هر دو کشنده و تهدیدکننده زندگی‌اند و آنچه هر دو را در بند می‌کند، یاد مرگ است. یاد مرگ هم بر «آمال» و هم بر «آلام» که هر دو بی‌حد و اندازه جلوه می‌کنند، حد می‌زند و آنها را از آنچه که هستند، کوچک نشان می‌دهد و تاب و طاقت آدمی را افزایش می‌دهد و او را بر ادامه زندگی قادر می‌سازد. یاد معاد روح حیوانی انسان را مهار و هوس‌های کاذب آن را تعدیل می‌کند و از سردرگمی بی‌نهایت به هدف نهایی سوق می‌دهد، زیرا کسی که ایمان به آخرت دارد و عمل صالح انجام دهد، هیچ ترسی از گذشته و آینده ندارد؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۲۷۷).

از طرف دیگر، آدمی همواره در زندگی با مشکلات، مصیبت‌ها و گرفتاری‌هایی مواجه است که رهایی از آنها ممکن نیست و در بعضی موارد نیز، قدرتی برای مبارزه با آنها ندارد و اگر برای مشکلات فوق راه حل مناسبی نیابد، در زندگی دچار سرخوردگی و ناامیدی می‌گردد، که گاه دست به خودکشی می‌زند. اما اعتقاد به معاد و امید به فرارسیدن آن، سبب آرامش و تحکیم پایه‌های امید در آدمی می‌گردد. در کنار یاد معاد، صفات برجسته اخلاق و وارسنگی به کمال لازم می‌رسند. کسی که بیشتر به یاد معاد و قیامت باشد، قلب او خاشع و دلش شکسته می‌شود؛ ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ *الَّذِينَ يَتُظَّوْنَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* (بقره/۴۶-۴۵) و بهتر می‌تواند در مقابل امر خداوند تسلیم باشد. حتی قرآن یکی از صفات نمازگزاران خاشع را تصدیق قیامت می‌داند؛ ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ... وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيَّوْمَ الدِّينِ﴾ *وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ* (معارج/۲۷-۲۳) و انسان با اخلاق در مقابل رفاه‌طلبی، اسراف، اتراف، خوش گذرانی، سرگرمی‌ها، هوسرانی، ثروت اندوزی بی‌حد و مرز به صورت سنجیده و در راستای اهداف الهی برخورد می‌کند؛ ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (قصص/۸۳).

همچنین ایمان به معاد، چهره وحشت‌انگیز مرگ را که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسان‌ها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب کرده، دگرگون

می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام یاد مرگ را اصلاحگر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خوانند و می‌فرمایند: «أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْغِصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ» (دیلمی، ۹۱/۱)؛ به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید. در تعالیم اسلامی سفارش شده است که مسلمانان از پدیده مرگ غافل نباشند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «زیرک‌ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مرگ باشد.» (همان، ۸۴/)

در لابلای داستان‌های قرآن نیز از آثار تربیتی ایمان به معاد می‌توان نمونه‌هایی را سراغ گرفت؛ از جمله:

۱- لقمان حکیم در اندرزهای حکمت‌آموز خود به فرزندش، انگشت بر همین موضوع می‌گذارد و به وی چنین توصیه می‌کند: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان/۱۶).

این آیه اشاره به این است که اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم‌ارزش و هر قدر مخفی و پنهان باشند، همانند خردلی که در درون سنگی در اعماق زمین یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها مخفی باشد، خداوند لطیف و خبیر که از تمام موجودات کوچک و بزرگ در سراسر عالم هستی آگاه است، آن را برای حساب و پاداش و کیفر حاضر می‌کند و چیزی در این دستگاه گم نمی‌شود.

توجه به آیه فوق موجب می‌شود که انسان در برابر کسانی که در حق وی ظلم و ستم می‌کنند و او ناتوان از بازخواست آنهاست، خود را نبازد و به امید خداوند و معاد، از اندوه و افسردگی رهایی یابد. قرآن کریم در قالب این تصویر بدیع و زیبا، علم و آگاهی الهی و حساب و کتاب دقیق قیامت را چنان روشن ترسیم نموده است که چشم انداز آن، روح انسان را متأثر می‌سازد و درک حقیقت آن، هر وجدان بیداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به مراقبت نسبت به تک تک اعمال خویش فرا می‌خواند.



۲- در صحنه‌ای دیگر «مؤمن آل فرعون» را می‌بینیم که قوم خود را مخاطب قرار داده، می‌گوید: ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (غافر/۴۰).

او در این سخن حساب شده‌اش، از یک سو به عدالت خداوند در مورد مجرمان اشاره می‌کند که تنها به مقدار جرمشان جریمه می‌شوند و از سوی دیگر، اشاره به فضل بی‌انتهای او دارد که در مقابل یک عمل صالح، پاداش بی‌حساب به مؤمنان داده می‌شود و هیچ گونه موازنه‌ای در آن رعایت نخواهد شد؛ پاداشی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و حتی به فکر انسان خطور نکرده است. به هر حال او با این سخن کوتاه خود، این واقعیت را بیان می‌کند که متاع این جهان گرچه ناچیز و ناپایدار است، ولی می‌تواند وسیله رسیدن به پاداش بی‌حساب گردد و چه معامله‌ای از این پرسودتر.

بنابراین اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ تأثیری بس شگرف در روحیه انسان دارد، به گونه‌ای که خداوند در قرآن، یاد مرگ و تمنای آن را یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی و کسانی که دارای ایمانی راستین و ثابت‌اند، معرفی می‌کند، چرا که اینان از مرگ نه تنها نمی‌ترسند، بلکه آن را بهترین وسیله برای حصول به آرزوهای خود می‌دانند و پیوسته آن را از خداوند تقاضا می‌کنند.

به دیگر بیان، چون امور طبیعی و مادی و دنیوی غالباً پرده و حجابی بین خداوند و دوستانش است و مانعی است برای اینکه انسان به طور شایسته به مبدأ خود توجه نماید و با او انس گیرد، بنابراین لازمه دوستی حق تعالی، آرزوی مرگ است و کسانی که تنها تصور می‌کنند دارای ایمانی پایدار و ثابت‌اند، اما در دل هیچ اشتیاقی برای وصول به محبوب خود ندارند، ایمانشان از سر صدق نیست و برای حصول به ایمان واقعی، همچنان باید تلاش نمایند، چرا که نرسیدن از مرگ آرزوی آن را در دل پروراندن، نشانه صدق و یقین ایشان است، کاری که یهود از آن (بر خلاف ادعاهای خود) سر باز زدند؛ ﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزَجَةٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦-٩٤﴾
مولوی در این باره می‌گوید:

شد هوای مرگ طوق صادقان که جهودان را بدان دم امتحان

بنابراین امید به آینده برای انسان موحد جلوه بهتر و صحیح‌تری دارد و حتی در برخی آیات قرآن، اعتقاد برابر با امید معرفی شده است، آنجا که برای بیان اعتقاد به معاد از عبارت «امید به معاد» استفاده می‌کند: ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (عنکبوت/۳۶).

توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که گرچه امید بستن به روز قیامت از امید بستن به خداوند جدا نیست، لیکن چون انتظار روز رستاخیز، روز تعیین سرنوشت است، قیامت و معاد مستقلاً از متعلقات امید شمرده شده‌اند (طباطبایی، ۱۲۶/۱۶). از سویی دیگر خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف، پیروی از دین را مشروط به رجا و امید به معاد نموده، نه یقین به معاد، به این دلیل که تنها احتمال بودن معاد و امید به فرار سیدن چنین روزی، کافی است که آدمی را به پیروی از دین وادار سازد، چرا که دفع ضرر احتمالی واجب است (همان، ۴۰۵/۱۳). به همین دلیل آن که به روز رستاخیز امید دارد، به فساد روی نمی‌آورد، بلکه در پی اصلاح آخرت خویش و جامعه گام بر می‌دارد تا با پرونده‌ای سفید در روز قیامت در محضر داور جهان هستی حضور یابد.

در سوره ممتحنه نیز می‌خوانیم: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَرَمَىٰ تَوَلَّىٰ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (ممتحنه/۶). در آیه فوق که سخن از ابراهیم علیه السلام و همراهان او به عنوان پیشوای بزرگ و مورد احترام همه اقوام است، منظور از امید به خدا، امید به ثواب خدا در برابر ایمان به اوست و منظور از امید به آخرت، امید به پاداش‌هایی است که خداوند وعده آن را به مؤمنان داده. از این رو امید به آخرت کنایه است از ایمان به آخرت. (همان، ۲۳۳/۱۹)

بنابراین طبق دو آیه اخیر، حقیقت «امید به آخرت» در آیات قرآن کریم، «ایمان به آخرت» معرفی شده است. از این رو می‌توان گفت امید در بینش قرآن به معنای



ایمان است و کسی که ایمان دارد، اعتقاد و امید راسخ نیز دارد. در چنین فردی، ناامیدی هرگز نمی‌تواند نفوذ نماید.

امید به زندگانی جاودان در جوار خداوند در پرتو شهادت

به طور کلی نگرش‌های آدمی در مورد مرگ متفاوت است. این نگرش‌ها را می‌توان به صورت زیر به طور خلاصه بیان نمود:

۱- انکار کننده: اولین نگرش در مورد مرگ نگرش انکار کننده است که اجتناب مدار می‌باشد؛ بدین معنا که شخص نه تنها به مرگ اعتقاد ندارد، بلکه همواره آن را انکار می‌کند.

۲- پذیرنده: در این نگرش، مرگ به عنوان جزئی از زندگی است.

۳- مشتاقانه: طبق این نگرش، مُردن راه حلی برای حل تعارضات درونی (خودکشی) است.

۴- مبارزه جویانه: در این نگرش، فرد به دلایل مذهبی و اعتقادی به مبارزه با مرگ می‌رود، زیرا اعتقاد و باور به معاد چنان تحوّل عظیمی در روح و اندیشه انسان ایجاد می‌کند که نه تنها از فشارهایی که در راه انجام مسئولیت‌ها بر او وارد می‌آید رنجی نمی‌برد، بلکه از آن استقبال می‌کند و همچون کوه در برابر حوادث می‌ایستد، در برابر بی‌عدالتی‌ها تسلیم نمی‌شود، چرا که مطمئن است کوچک‌ترین عمل نیک و بد، پاداش و کیفر دارد و بعد از مرگ به جهانی وسیع‌تر که خالی از هر گونه ظلم و ستم است، انتقال می‌یابد و از رحمت و الطاف پروردگار بهره‌مند می‌شود؛ ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ *فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ *يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۷۱- ۱۶۹) (معتمدی، ۸۹/).

به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست

بنابراین اعتقاد به معاد نقش بسزایی در جهاد و مبارزه و افزایش روحیه مبارزه جویانه در آدمی دارد و اگر حس جهاد و مبارزه و شهادت‌طلبی در درون جامعه‌ای حکمفرما باشد، آن جامعه از گزند دشمنان محفوظ می‌ماند. اگر کسانی در چنگال

آرزوهای دراز و هوای نفس گرفتار باشند، به هزاران بهانه متوسل می‌شوند تا از جهاد و جنگ بگریزند؛ ﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾ (توبه/۸۱).

حضرت علی علیه السلام هنگامی که سپاهیان را به جبهه حق علیه باطل دعوت می‌کرد، گروهی می‌گفتند: اکنون هوا سرد است، صبر کنید هوا گرم شود. گروهی دیگر می‌گفتند: اکنون هوا گرم است و در تابستان جای جنگ و نبرد نیست. حضرت در جواب آنها فرمودند: کسی که با حرارت و برودت دنیا نمی‌تواند صبر کند، در برابر حرارت قیامت چگونه صبر می‌کند؟ (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). آنچه جنگ‌های پیامبر را به پیروزی رساند و آنچه حادثه کربلا را آفرید و آنچه هشت سال دفاع مقدس را در ایران به وجود آورد، امید، اعتقاد و ایمان به معاد بوده است. طبق گفته‌های دانشمندان غربی نیز آدمی به این اعتقاد نیاز دارد که در ورای این عالم محسوس، عالم دیگری وجود دارد که غرق در معنویت است و همین اعتقاد است که سبب می‌گردد تا به افرادی که بدان پایبند هستند، در برابر حوادث نیرو و قدرتی عظیم ارزانی دارد (رضایی اصفهانی، ۱۸۶/۱) و به راستی چه اعتقادی مانند این خواهد توانست تا در یورش سختی‌ها و دگرگونی‌های روزگار، به انسان ثبات قدم بخشد و همچون لنگری مطمئن، کشتی طوفان‌زده روح انسان را در حوادث و بلایا از تلاطم باز دارد.

شهید مطهری نیز از حالت روحی و روانی خاصی تحت عنوان «نشاط شهادت» یاد می‌کند و منطق شهادت را سوختن و حل شدن در اجتماع برای احیای جامعه می‌داند. (معمدی، ۹۱/۱)

این نوع نگرش نسبت به مرگ در آیات قرآن نیز مورد ستایش قرار گرفته و خداوند در بسیاری از آیات، از راه‌های مختلف، همچون برشمردن خصوصیات زندگانی اخروی شهیدان و مبارزان راه حق، به تشویق این افراد پرداخته است و بارها و بارها سفارش و توصیه می‌کند که شهیدان نمرده‌اند، بلکه نزد خداوند زنده‌اند و از نعمت‌های او در جوارش بهره می‌برند. آیات زیر به این حقیقت اشاره



کرده‌اند: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (بقره/۱۵۴)؛ ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران/۱۶۹).

به‌طور کلی یکی از چیزهایی که در تمامی جنگ‌های دنیا وجود دارد، ترس از شکست و سختی‌های پس از آن و یا ترس از کشته شدن و مرگ است. از این رو بحران روانی یک رزمنده قبل از ورود او به صحنه نبرد آغاز شده و تا زمانی که دار فانی را وداع گوید، ادامه خواهد داشت. دیدن سهمگین‌ترین صحنه‌ها و وقایع تلخ و جانگداز در میدان نبرد باعث ایجاد مشکلات جسمی و روانی فراوانی در انسان می‌شود. از جمله این مشکلات، ناامیدی و ترس از مُردن و به‌طور کلی عدم خوش‌بینی نسبت به آینده است که این خود سبب می‌گردد انسان به فردی ناامید و افسرده که برداشتی غلط، ناقص و محدود از محیط دارد، تبدیل شود. کمک به کاهش این اختلالات و افزایش سلامت روانی از طریق تحکیم روح امید در نهاد آدمی، به انسان افسرده و ناامید کمک می‌کند تا به اصلاح برداشت‌های خود بپردازد و به بینشی جدید دست یابد و بهترین کسی که می‌تواند این مهم را انجام دهد، خداوند است.

در آیه ﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونُ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۱۰۴) «و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند، دانا و حکیم است.» نیز خداوند با هدف زنده نگه داشتن روحیه تلاش و پشتکار در رزمندگان و یاران پیامبر ﷺ، بر امیدواری نسبت به آینده و انتظار فرا رسیدن گشایش از سوی خدا سفارش کرده و مؤمنان را از هرگونه یأس و ناامیدی بر حذر داشته است، چرا که در صحنه‌های نبرد، امید به خداوند بزرگ‌ترین اهرم حرکت و سرمایه روحی رزمنده است؛ یا شهادت و سعادت، یا پیروزی بر دشمن.

به‌دیگر بیان، خداوند در آیه فوق در صدد روحیه دادن به مؤمنان و انسان‌های راستین از طریق مقایسه دردهای خود با رنج‌های دیگران و امید و توجه به امدادهای

الهی و آگاهی اوست (فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ)، زیرا مسلمانان امیدهای گوناگون از خداوند دارند؛ امید به امدادهای غیبی، پیروزی، مرعوب شدن دشمن، پادشاهی معنوی و امثال آن، و به آنان بیان می‌کند که فضیلت شما بر آنها این است که نور ایمان و حقیقت تقوا در قلبتان نفوذ کرده که این خود چنین ایجاب می‌نماید که در اعمالتان امیدوار به رحمت الهی و فیوضات اخروی، اضافه بر شرافت و منافع دنیوی باشید. ولی دشمنان شما چنین امیدی ندارند، بلکه تنها برای منافع ناچیز دنیوی و به دست آوردن غنایم و پیروزی خیالی، خود را به زحمت می‌اندازند. (طباطبایی، ۶۴/۵؛ طبیب، ۱۹۱/۴؛ مغنیه، ۴۲۸/۲؛ گنابادی، ۴۹/۲؛ میدی، ۶۷۱/۲)

استدلال خداوند در آیه فوق بدین صورت است که همان طور که شما ناراحت می‌شوید، آنها نیز ناراحت می‌شوند و شما حال بدتری از حال دشمنان خود ندارید، بلکه شما مرفه‌تر و خوشبخت‌تر از کفارید، زیرا شما به خداوند بزرگ امید دارید که او در این جهان به شما پیروزی و ظفر بخشد و به واسطه این سختی‌ها و دردها و زخم‌ها، در عالم دیگر به شما پاداش دهد، چرا که او ولیّ مؤمنین است؛ ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸) و شما نیز از مؤمنین هستید. ولی دشمنان شما در مقابل این جراحات‌ها و زخم‌ها، امید هیچ گونه پاداشی از جانب خداوند متعال ندارند و در نتیجه در عمل خود نشاط ندارند و کسی نیست که رسیدن آنان به هدف را ضمانت کند و این، تفاوت بزرگی است میان شما و آنها، چرا که بیشتر پیروزی‌های مؤمنین از روی ایمان و امید آنها نشأت گرفته، و گر نه در بیشتر جنگ‌هایی که در اسلام واقع گردیده، تعداد کافران بسیار زیادتر از تعداد مسلمانان بوده و نیز در مهمات جنگی، آنها مجهزتر بودند، با این حال غالباً شکست می‌خوردند و این تنها از جهت ایمان مؤمنین و امید راستین ایشان به خداوند بود که با نیروی ایمان و خلوص شمشیر می‌زدند.

بنابراین مؤمنان واقعی همواره با خاطری آسوده و امید به پروردگار، به کارهای نیک روی می‌آورند؛ ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۱۰) و از مرگ نمی‌هراسند، بلکه می‌گویند: ﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ﴾ (توبه/۵۲).



دیگر داستان‌های قرآن نیز حکایتگر خوبی از شهامت‌ها و شجاعت‌های مردان خدا در پرتو اعتقاد به معاد هستند؛ از جمله:

۱- قرآن کریم در سوره بقره، آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱، داستان گروهی از بنی اسرائیل را حکایت می‌کند که همراه «طالوت» (فرمانده الهی لشکرشان) برای مبارزه با جالوت که پادشاهی ستمگر بود، روانه میدان جنگ شده بودند. اما پس از یک امتحان سخت گروهی باز ماندند و تنها تعدادی اندک پا به میدان جهاد گذاشتند. این اقلیت نیز به دو دسته تقسیم شدند: بعضی گرفتار وحشت و ترس گشتند و گفتند: ما امروز قدرتی برای مبارزه با جالوت و لشکریانش نداریم. اما در مقابل این گروه، کسانی که ایمانی راسخ به روز رستاخیز داشتند، به بقیه هشدار دادند که نباید به کمیت جمعیت نگاه کرد، بلکه باید کیفیت را در نظر گرفت؛ زیرا بسیار شده که یک جمعیت کم، اما با ایمان و مصمم، به فرمان خدا بر انبوه جمعیت دشمن پیروز شده‌اند؛ ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره/۲۴۹).

آری، کسی که مرگ را دریچه‌ای به جهان ابدی می‌داند و معتقد است که با مرگ، پرنده روحش از قفس تن آزاد شده و در آسمان بی‌کران پر می‌گشاید، نه تنها از مرگ و شهادت در راه هدف ترس و وحشتی به خود راه نمی‌دهد، بلکه به استقبال آن رفته، آن را عاشقانه در آغوش می‌کشد؛

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او عمری ستانم جاودان او ز من دل‌قی ستاند رنگ رنگ

۲- ساحران فرعون نیز به تهدیدهای شدید فرعون به خاطر اظهار ایمانشان به خدای یگانه وقعی نمی‌نهند و با صراحت به وی می‌گویند: ﴿فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ «إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِنُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه/۷۲).

هنگامی که جرقه‌های ایمان به معاد به اعماق جان آدمی می‌رسد، آن را چنان شعله‌ور می‌سازد که دیگر هیچ تهدیدی در برابر آن کارگر نیست و هر چیز جز خدا و لقای آخرت و نعم جاودانش در نظر انسان بی‌ارزش و ناچیز است. همین

ایمان نیرومند و شعله‌ور سبب شد که ساحران مادیِ زبون و چاپلوس دیروز، به انسان‌های قوی و شجاع و پر استقامت امروز مبدل شوند.

شفاعت و تأثیر آن در تحکیم امید آدمی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، خداوند سبحان در کتاب خویش از راه‌های مختلف به ایجاد و تحکیم روح امید در آدمی مبادرت ورزیده است. اما یکی از راه‌های امیدبخش برای مؤمنان گناهکار که از روح امید و اعتقاد به معاد سرچشمه می‌گیرد، اعتقاد به بهره‌مندی از شفاعت شافعان در روز قیامت و رستاخیز است.

موضوع شفاعت از اصول مسلم اسلام است که روایات زیادی از طریق شیعه و اهل سنت درباره آن نقل شده است. در قرآن کریم نیز آیات متعددی درباره آن وجود دارد؛ مانند آیات ۴۲ تا ۴۸ سوره مدثر که خداوند متعال عده‌ای از کسانی را که شفاعت شامل حال آنها نمی‌شود، نام برده است: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ﴾ بَيَوْمِ الدِّينِ ﴿حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿.

از این رو یکی از مزایایی که خدای متعال به مؤمنان اختصاص داده، این است که اگر مؤمن ایمان خودش را تا هنگام مرگ حفظ کند، به عذاب ابدی مبتلا نخواهد شد و گناهان کوچکش به واسطه اجتناب و دوری از گناهان کبیره بخشوده شده و گناهان بزرگش به وسیله توبه کامل و مورد قبول پروردگارش آمرزیده می‌شود و اگر موفق به چنین توبه‌ای نشد، تحمل گرفتاری‌ها و مصائب دنیا، بار گناهانش را سبک می‌کند و سختی‌های برزخ و موافق آغازین رستاخیز، ناخالصی‌هایش را می‌زداید و اگر باز هم از آلودگی‌های گناهان پاک نشد، به وسیله شفاعت - که مظهر تجلی بزرگ‌ترین و فراگیرترین رحمت الهی در اولیاء خدا به ویژه رسول اکرم و اهل بیت کرامش علیهم‌السلام می‌باشد - از عذاب دوزخ نجات خواهد یافت.

بر حسب روایات فراوان، مقام محمود نیز که در آیه ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (اسراء/۷۹) به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وعده داده شده، همین مقام شفاعت است (طباطبایی، ۷۵/۱۳). همچنین آیه شریفه ﴿وَلَسَوْفَ



يُعْطِيكَ رُبَّكَ فَتَرَضَى﴾ (ضحی/۵) نیز اشاره به آمرزش الهی دارد که به واسطه شفاعت آن حضرت، شامل حال کسانی که استحقاق دارند، می‌شود. (همان، ۳۱۰/۲۰).

بنابراین بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین امید مؤمنان گناهکار شفاعت است. کسانی که مرتکب جرایم سنگینی می‌شوند، از یک سو گرفتار ناراحتی وجدان و از سوی دیگر گرفتار یأس از بخشودگی در پیشگاه خدا می‌گردند و چون راه بازگشت را به روی خود مسدود می‌یابند، عملاً حاضر به هیچ گونه تجدید نظر نیستند و با توجه به تیرگی افق آینده در نظرشان، ممکن است دست به طغیان و سرکشی بیشتری بزنند و یک نوع آزادی عمل برای خود تحت این عنوان که رعایت مقررات برای آنها سودی ندارد، قائل شوند. درست همانند بیماری که از بهبودی مأیوس شده و سدّ پرهیز را به کلی شکسته است، چون آن را بی‌دلیل و فاقد تأثیر می‌داند.

در برخی مواقع، ناراحتی وجدان که ناشی از این گونه جرایم است، موجب اختلالات روانی و یا موجب تحریک حس انتقام‌جویی از جامعه‌ای که او را چنین آلوده کرده است، می‌گردد و به این ترتیب، گناهکار مبدل به یک عنصر خطرناک و کانون ناراحتی برای جامعه می‌شود که کمترین تأثیر چنین نگرشی، ایجاد و القای روح ناامیدی در جامعه است.

اما ایمان به شفاعت و امید به بهره‌مندی از آن، روزنه‌ای به سوی روشنایی به روی انسان می‌گشاید. امید به آمرزش، آدمی را به کنترل خویش و تجدید نظر و حتی جبران گذشته تشویق می‌کند، حس انتقام‌جویی در او تحریک نمی‌گردد و آرامش روانی به او امکان تبدیل شدن به یک عنصر سالم و صالح و در نهایت امیدوار می‌دهد.

بنابراین اگر بگوییم توجه به شفاعت به معنای صحیح، یک عامل سازنده امید و بازدارنده از ناامیدی و افسردگی است که می‌تواند از یک فرد مجرم و گناهکار، فردی صالح و امیدوار بسازد، گزاف نگفته‌ایم. با این وضع، جای تردید باقی نمی‌ماند که شفاعت به معنای صحیح، نقش مؤثری در دگرگونی حال افراد و اصلاح وضع آنها خواهد داشت.

البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که شفاعت دارای قیود و شرایط فراوانی است و کسانی که معتقد و امیدوار به آن هستند، برای بهره‌مندی از آن، ناگزیرند شرایط آن را فراهم سازند و از گناهانی همانند ظلم که امید شفاعت را به صفر می‌رساند بپرهیزند؛ برنامه خود را از یک دگرگونی عمیق و همه جانبه در وضع خویش شروع کنند و برای رسیدن به مقام «ارتضاء»؛ ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾ (انبیاء/۲۸) و برقرار ساختن عهد الهی؛ ﴿وَأَوْفُوا بَعْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره/۴۰)، از گناه توبه کنند و یا حداقل در آستانه توبه قرار گیرند، خلافت‌کاری و شکستن سد قوانین الهی را متوقف سازند و یا لاقل تقلیل دهند و ایمان به خدا و دادگاه بزرگ رستاخیز را در خود زنده نگاه دارند و قوانین و مقررات او را محترم شمارند (مکارم شیرازی، ۱/۲۳۷) و تنها از این طریق، امید به شفاعت، امیدی صادق و حقیقی است و می‌تواند باعث استحکام پایه‌های خانه امید آدمی گردد.

نتایج

- ۱- امید در راستای تکامل انسان است و تکامل انسان در قرآن، رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و مظهر تجلی اسماء الهی شدن است. از این رو، امید نیز در راستای تجلی صفات الهی، خصلتی نهادینه شده در وجود بشر است و به دست آوردن این امر مهم، از طریق تقویت آموزه‌های اعتقادی در نهاد آدمی میسر است.
- ۲- آموزه اعتقادی معاد جهت القا و تحکیم روح امید در آدمی، آموزه‌ای شناختی است که به دیدگاه و اعتقاد فرد نسبت به هستی، آغاز و فرجام جهان می‌پردازد و از سویی دیگر، تأثیر آن را در افزایش یا کاهش امید صادق و حقیقی در آدمی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
- ۳- یکی از مهم‌ترین اثرات یاد معاد در دنیا، آرامش و آسایش خاطر و به عبارت کوتاه‌تر، رسیدن به آرامش دنیوی است.
- ۴- یاد مرگ هم بر «آمال» و هم بر «آلام» که هر دو بی‌حد و اندازه جلوه می‌کنند، حدّ می‌زند و آنها را از آنچه که هستند، کوچک نشان می‌دهد.



۵- ایمان به معاد، چهره وحشت‌انگیز مرگ را که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسان‌ها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب کرده، دگرگون می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد.

۶- یاد مرگ برای مؤمنان به عنوان مقصد زندگی دنیوی و آغاز زندگانی آخری، آسودگی خاطر و راحتی در برخورد با مشکلات دنیوی را در پی دارد، چرا که انسان‌های شایسته با مرگ به ملاقات خداوند می‌رسند (بقره/۲۲۳).

۷- یاد معاد، روح حیوانی انسان را مهار و هوس‌های کاذب آن را تعدیل می‌کند و از سردرگمی بی‌نهایت به هدف نهایی سوق می‌دهد.

۸- امیدواران حقیقی نه تنها از مرگ نمی‌ترسند، بلکه آن را بهترین وسیله برای حصول به آرزوهای خود می‌دانند و پیوسته آن را از خداوند تقاضا می‌کنند و با منطق شهادت که به اعتقاد شهید مطهری، سوختن و حل شدن در اجتماع برای احیای جامعه است، مرگ را در آغوش می‌کشند.

۹- دیدن سهمگین‌ترین صحنه‌ها در میدان نبرد باعث ایجاد ناامیدی و ترس از مُردن و به طور کلی عدم خوش‌بینی نسبت به آینده در انسان می‌شود. کمک به کاهش این اختلالات از طریق برشمردن امتیازات شهدا نسبت به سایرین، به تحکیم روح امید در نهاد آدمی منتهی می‌شود.

۱۰- یکی از راه‌های امیدبخش برای مؤمنان گناهکار که از روح امید و اعتقاد به معاد سرچشمه می‌گیرد، اعتقاد به بهره‌مندی از شفاعت شافعان در روز قیامت و رستاخیز است.

۱۱- بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین امید مؤمنان گناهکار شفاعت است، چرا که امید به آموزش، آدمی را به کنترل خویش و تجدید نظر و حتی جبران گذشته تشویق می‌کند، حس انتقام‌جویی در او تحریک نمی‌گردد و آرامش روانی به او امکان تبدیل شدن به یک عنصر سالم و صالح و در نهایت امیدوار می‌دهد.

منابع و مأخذ:

۱. دیلمی، شیخ حسن؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ش.
۲. رضایی اصفهانی و دیگران؛ تفسیر موضوعی قرآن، چاپ یازدهم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ش.
۳. سیحانی تبریزی، جعفر؛ سیمای انسان کامل در قرآن، چاپ یازدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۵. طیب، سید عبدالحسین؛ اطبیب البیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ق.
۶. گنابادی، سلطان محمد؛ تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۷. مؤلفان؛ جلوه‌های خدامحوری در زندگی، قم، آیه حیات، ۱۳۸۵ش.
۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، تهران، اسلامی، بی تا.
۹. معتمدی، غلامحسین؛ انسان و مرگ، درآمدی بر مرگ شناسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲ش.
۱۰. مغنیه، محمد جواد؛ الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ق.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۱۲. مولوی، جلال الدین محمد بلخی؛ مثنوی معنوی، تهران، نگاه پنجم، ۱۳۷۲ش.
۱۳. مهدوی، ابوالقاسم؛ هدف خلقت، به اهتمام سید حسن نواب، چاپ دوم، اصفهان، محبان، ۱۳۸۶ش.
۱۴. میبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ق.
۱۵. نجاریان، فرزانه؛ نقش امید در تکامل شخصیتی انسان، فصلنامه رشد معلم، شماره ۱۰۲، صص ۵۴-۵۰، ۱۳۷۳ش.
۱۶. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ق.
۱۷. نیلی پور، مهدی؛ بهشت اخلاق، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۵ش.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.